

فرهنگ زیست‌محیطی در استفاده بهینه از آب؛ با تاکید بر اصول پایداری در اسلام

منصور شاه ولی *

زهرا لاجینی **

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۸

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۲/۲۵

چکیده:

افزایش جمعیت، گسترش ابزارهای فنی و رشد سریع فن‌آوری که نتیجه پیشرفت علوم و فنون می باشد، نه تنها بر رفتار بشر تاثیر گذاشته بلکه باعث تخریب و انهدام و استفاده بدخواهانه از منابع طبیعی شده است. با توسعه علم و فن‌آوری، این خوش بینی رواج پیدا کرد که علم و کاربرد آن مقدم بر فرهنگ است و گسترش عقلانیت علمی، در عمل می تواند امکانات فراوانی را برای رشد کیفی زندگی بشر فراهم نماید. اکنون که مواد خام طبیعی و منابع آب و انرژی در شرایط بحرانی قرار گرفته اند، بشر بدون رفتار اخلاقی نمی تواند برنامه ریزی مناسبی برای آینده داشته باشد. این مقاله که با روش مطالعه کتابخانه ای انجام شده است ضمن بررسی تاثیر فن‌آوری در طول زمان و نارسایی علوم مدرن در حل مسائل زیست محیطی به بررسی اصول اسلام در استفاده پایدار از آب به عنوان یک راهکار مکمل برای حل چالش‌های مربوط به منابع آب می پردازد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، محیط زیست، پایداری، اسلام، آب.

* دانشیار دانشگاه شیراز Email: shahvali@shirazu.ac.ir

** کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز Email: zahralachin@yahoo.com



مقدمه

در شرایط کنونی که مواد خام طبیعی، منابع آب و انرژی در شرایط بحرانی قرار گرفته اند، بشر بدون رفتار اخلاقی نمی تواند افق های فکری دور را تجسم کند (Brans, ۲۰۰۲). شواهد تجربی نشان می دهند که در ارزیابی های زیست محیطی، توجه به تاثیر رفتار انسان در طبیعت و محیط زیست به بازبینی و تعریف مجدد نیاز دارد؛ زیرا نحوه زندگی افراد هر روزه با فن آوری نوین پیچیده تر می شود و چون فن آوری و رفتار در یک نظام فرهنگی و اجتماعی قرار دارند که نمی توانند بطور مستقل از هم تغییر نمایند، تغییر در یکی موجب تغییر در دیگری می شود (Ropke, ۲۰۰۱). محدودیت منابع آبی نیز فرآیندی است که به مجموعه ای از مؤلفه های طبیعی و اجتماعی وابسته است. مؤلفه های طبیعی از شرایط طبیعی سرزمین نقش می پذیرند و مؤلفه های اجتماعی متاثر از مسائل سازمانی و مدیریتی توسعه هستند. در اثر تعامل این مؤلفه ها نتیجه ای جز افزایش بی رویه مصرف آب، کاهش حجم آب با کیفیت مناسب، تاخیر در آغاز پروژه های جدید، تخصیص نامناسب آب برای مصارف مختلف و در نتیجه تاخیر در تنوع بهره برداری از منابع آب و کاربری نامناسب منابع و دارایی ها، حاصل نخواهد شد (عمانی و نوری وند، ۱۳۸۱). لذا طرح این پرسش پیش می آید که آیا محیط زیست می تواند در برابر رفتار فعلی انسان دوام بیاورد و آیا منابع آب همواره در اختیار انسان هستند؟ در حالی که نشانه های تنگناهای محیط زیست در همه جا آشکار شده است (Rshn, ۲۰۰۰)، بشر ناچار است ابعاد عمیق و جامع تری را برای حل بحران های پیش آمده مورد بررسی قرار دهد.

در این مقاله با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای، به بررسی تاثیر فن آوری و علم به عنوان راه حل بحران های زیست محیطی پرداخته و بر این اساس به اهمیت مدیریت رفتار و فرهنگ انسان در رابطه با محیط زیست به ویژه در استفاده از آب توجه کرده و ضمن به چالش کشیدن رویکرد فن آوری مدارانه و نارسایی آن، به تبیین رویکرد زیست محیطی اسلام در بستر فرهنگ اسلامی می پردازد.

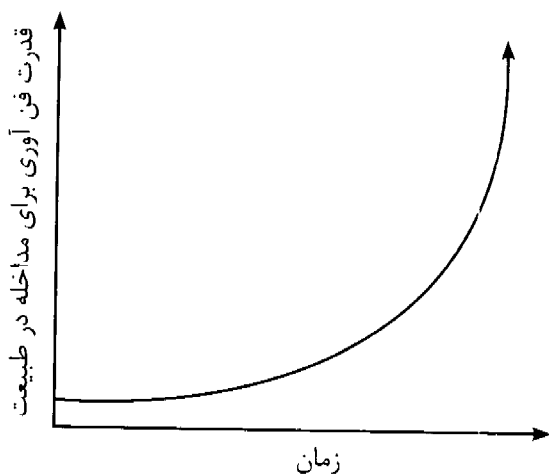
مدیریت رفتار انسان در استفاده از آب

برنامه ریزی برای حفظ و بهره برداری بهینه از آب،

نیازمند به کارگیری ضوابط خاص خود می باشد. در نگاه رایج برنامه ریزی برای نظام های پایدار آبی حفاظت از منابع آب، توجه به ملاحظات محیطی، استفاده از فن آوری های مناسب، حفظ توان اقتصادی و پذیرش اجتماعی از جمله موارد مورد بحث توسعه منابع آب به منظور ارتقای پایداری این نظام ها است (Pereira et al, ۲۰۰۲). با بررسی روند تاریخ معلوم می شود که ریشه بسیاری از بحران های زیست محیطی به ویژه آلودگی آب ها به طرز تفکر و جهان بینی غربی باز می گردد که انسان را بر محیط زیست حاکم می داند. این طرز تفکر و جهان بینی باعث شکل گیری روابط سلطه جویانه بشر بر منابع طبیعی شده است (Bourdeau, ۲۰۰۴ و Huesemann, ۲۰۰۱)؛ زیرا گرایش ها و ارزش هایی که مفاهیم انسانی را درباره طبیعت شکل می دهند در ابتدا از جهان بینی اعتقادی و اخلاقی آنها سرچشمه می گیرند (Tucker and Grim, ۲۰۰۲). از یک طرف، میراث اعتقادی هر جامعه نماد و نماینده عملکرد انسان است (Jenkins, ۱۹۹۸) و از طرف دیگر، رفتارها یا نیات رفتاری افراد پیرامون استفاده مناسب از آب به نگرش و میزان آگاهی آنان نسبت به مسائل آب بستگی دارد. از این رو برای اینکه فعالیت های مدیریت تقاضای آب با موفقیت اجرا شود، لازم است تا آگاهی ها و نگرش های مردم نسبت به صرفه جویی در مصرف آب اصلاح شود تا همکاری های آنان در اجرای این برنامه ها بیشتر شود (تجربشی و ابریشم چی، ۱۳۸۳). همچنین بسیاری از تغییرات با رفتار و نگرش افراد مرتبط است (Muchena et al, ۲۰۰۵) و از این رو مسئولیت پذیری مردم محلی و نقش قاطع آنها در تعیین رفتار، همواره مد نظر است (Kessler, ۲۰۰۵).

رویکرد فن آوری مدارانه

اگر در نظر باشد تاثیر فن آوری و علم مورد بررسی قرار گیرد، باید در هر دو زمینه ساختار اجتماعی و محیط فیزیکی انجام شود و به این پرسش نیز پاسخ داده شود که چه افرادی می خواهند از این فن آوری استفاده نمایند؟ بنابراین، نباید تنها به فن آوری و تاثیر آن بر طبیعت توجه نمود بلکه لازم است انسان ها را نیز شناخت؛ زیرا این ماهیت رفتاری و روانی افراد است که تعیین کننده کاربردهای دانش و فن آوری می باشد



نگاره (۲) رابطه بین زمان و تعداد افرادی که به فن آوری قدرتمند دسترسی پیدا می کنند

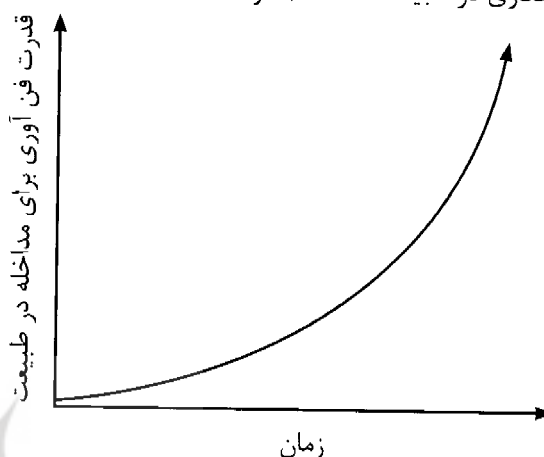
ماخذ: Small & Jollands, 2006, P.351

مهندسی بیولوژی را به سرعت افزایش می دهد تا افراد جامعه خود را قدرتمندتر نشان بدهند؛ لذا آنها تسلط و غلبه بیشتری بر طبیعت پیدا می کنند. همچنین گروه های متنوع سیاسی و تندرو، این فن آوری ها را تحت اختیار قرار می گیرند و توان عظیم فن آوری ها را در راستای مصارف مخرب استفاده می نمایند. گروه ها و افرادی که فن آوری های قدرتمند را در اختیار دارند در اجتماع و محیط زیست بیشترین تاثیر را دارند. بنابراین، قدرت و نشر بیشتر فن آوری احتمالا آثار سوء بیشتری را ایجاد خواهد کرد که دلیل آن رفتارهای بدخواهانه برخی از جوامع است (نگاره ۳).

(Small and Jollands, 2006). به هر حال با گذشت زمان

ممکن است دو تاثیر فن آوری مشاهده شود:

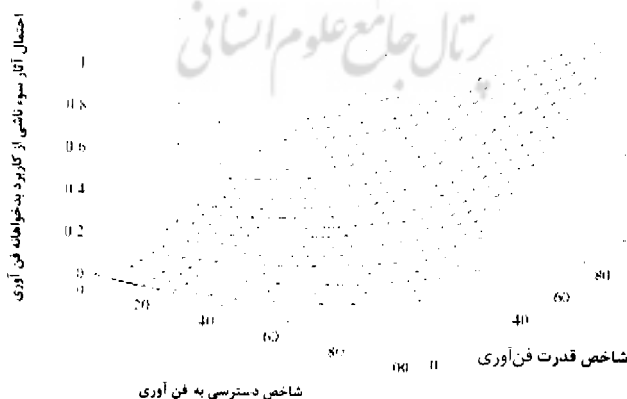
اول با گذشت زمان، شناخت علمی از منابع عمیق تر و کامل تر می گردد و در نتیجه فن آوری هایی که در مراحل بعد ظاهر می شوند قدرتمندتر و دارای توانایی بیشتر برای مداخله و دستکاری در طبیعت هستند (نگاره، ۱).



نگاره (۱) رابطه بین زمان و قدرت فن آوری

منبع: Small & Jollands, 2006, P. 351

دوم، در ابتدا فن آوری در دسترس طیفی از افراد و گروه ها می باشد که بر اثر روند نشر قدرت، به گروه های پایین تر انتشار پیدا می کند؛ لذا ابتدا فن آوری و قدرت در اختیار نخبگان و با گذشت زمان در اختیار افراد بیشتری قرار می گیرد (نگاره ۲). از سویی جوامع، تولیدات فن آوری نظیر فن آوری اطلاعات و



نگاره (۳) احتمال کاربرد بدخواهانه فن آوری توسط افرادی که به فن آوری دسترسی دارند در طول زمان

منبع: Small & Jollands, 2006, P.352

های هولناک زیست محیطی را حل نماید؟ لذا فعالیت های جاری با فرضیات زیر آغاز شد (Hueseemann, ۲۰۰۱):

۱. علم و دانش می تواند جزئیات لازم را برای حل مسائل زیست محیطی فراهم کند.

۲. برخی فن‌آوری‌ها می‌توانند به طور موفقیت آمیزی آلودگی و مسائل زیست محیطی را بدون بیان علت تأثیرات منفی زیست محیطی حل کنند.

۳. این امکان وجود دارد که فرآیند های صنعتی در آینده، اثرات منفی زیست محیطی را به همراه نداشته باشند، بر آلودگی حاصل از روند گذشته غلبه نموده و توسعه یابند.

این فرضیات، ذهن بسیاری از دانشمندان زیست محیطی را به خود معطوف نمود. نتایج تحقیقات انجام شده توسط هیوسمن (۲۰۰۱:۲۷۳). درباره اعتبار این فرضیات نشان داد: اولاً، بسیاری از مسائل زیست محیطی با پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو بوده و به روش‌های علمی و واکنش‌های زیست محیطی محدود شده اند. ثانیاً، اهمیت دادن به مسائل فنی و علمی صرف نمی‌تواند چاره ساز مسئله باشد و ایجاد راه حل مناسب برای مسائل زیست محیطی، نیازمند مباحث غیر فنی و فرهنگی می‌باشد.

در نهایت این محقق اعلام می‌کند که روش مقابله با بحران های زیست محیطی، غلبه بر ارزش های مادی گرایانه است و لذا حفاظت دراز مدت از محیط زیست یک مسئله فنی نیست بلکه یک مسئله اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی می باشد.

از سوی دیگر، بسیاری از ارزش های زیست محیطی با یک سلسله انگاره های زیست محیطی ارزیابی می شوند. این انگاره ها در قالب یک طرح یا پروژه تعریف می گردند، که معمولاً این طرح ها پیش بینی نادرستی در زمینه محیط زیست داشته، تمایلات و تضادهای بین ذی نفعان را نادیده می گیرد و تنها به عینیات توجه می نمایند. اگرچه عینیات را نمی توان نادیده انگاشت و برای توسعه مناسب هستند، ولی توجه به اخلاق غایت شناسی، ارزش ها و تمایلات در سطح محلی و جهانی را نمی توان نادیده انگاشت. این در حالی است که نظام های زیست محیطی بیشتر به تجزیه و تحلیل هزینه و سود می پردازند و به ارزیابی سطح ایدئولوژیکی توجه کمتری نشان می دهند (Persson, ۲۰۰۶).

بیش از ۳۰۰ سال فرهنگ غربی، اروپایی و آمریکای شمالی به دانش تجربی برای شناخت و درک جهان و طبیعت تأکید داشتند (Hueseemann, ۲۰۰۱)؛ زیرا این عقیده رایج بود که با کمک فن‌آوری و علم می توان شناخت بیشتر و بهتری از طبیعت به دست آورد. این در حالی بود که طبیعت هر لحظه به سوی زوال و نابودی بیشتر پیش می رفت و منابع طبیعی از جمله آب ها روز به روز آلوده تر و غیر قابل استفاده تر می شدند که این ارمغان پیشرفت علم و فن‌آوری است (Bourdeau, ۲۰۰۴). اغلب انسان ها به فن‌آوری به عنوان یک یار قابل اعتماد می نگرند زیرا زندگی را آسان، تمیز و طولانی تر می سازد. همچنین از دیرباز، علم و فن‌آوری رابطه ای بسیار نزدیک و در عین حال انعطاف ناپذیر با فرهنگ داشته است و به دلیل همین نزدیکی و اثرگذاری، بررسی تأثیر فن‌آوری بر فرهنگ چندان ضروری به نظر نمی رسد. سه ایده که به تکنوپولی^۱ توان و شکل داده است در اینجا مطرح می گردد (پستمن، ۱۳۸۱):

۱. این باور که روش های پژوهش در علوم طبیعی در پژوهش‌های مربوط به رفتار انسانی نیز کاربرد دارند. این مباحث در حوزه علوم روانشناسی و جامعه شناسی در آمریکا بسیار به چشم می خورد.

۲. علوم اجتماعی اصول معینی را ارائه می دهند که به کمک آنها سازماندهی جامعه به طرز معقول و بشر دوستانه ممکن می شود. لذا، این پندار وجود دارد که با کمک ابزارهای فنی که توسط متخصصان ساخته می شود می توان بر رفتار انسانی نظارت و کنترل داشت و انسان‌ها را در مسیر صحیح هدایت نمود.

۳. اعتقاد به این که علم زیربنای جدید مجموعه اعتقادات و بینش هایی است که به زندگی معنا می بخشد و برای انسان ها رفاه، پرهیزگاری و حتی جاودانگی را به ارمغان می آورد.

این تفکر نیز وجود دارد که مسائل زیست محیطی ایجاد شده توسط فن‌آوری به وسیله خود فن‌آوری قابل حل می باشند. لذا، تلاش های بی شماری انجام گرفت تا با فن‌آوری به کار گرفته شده آلودگی ها را تعدیل نمایند. پرسشی که همواره مطرح بود این است که آیا فن‌آوری و دانش رایج کنونی می تواند بحران

۱. (Tecnopoly) انحصارگرایی فن‌آوری، این واژه از دو لغت فن‌آوری و منوپولی ساخته شده است و منظور از آن سلطه بلا منازع و حاکمیت تمام عیار فن‌آوری بدون اخلاق بر جامعه انسانی است (پستمن، ۱۳۸۱).

و بهره‌مندی از معرفت، در برابر تمامی کردار خود مسئول است (محلای، ۱۳۸۰). از سوی دیگر، انسان عنصر جدایی‌ناپذیر از مجموعه نظام هستی است. موضع او در برابر طبیعت باید بر اساس حق هستی تعیین گردد. در مکتب اسلام چنین ارتباطی باید توسط کسی مشخص شود که خود خالق کل عالم هستی است. بنابراین مکتب زیست محیطی اسلام انسان را به خاطر وجود خداگونه اش فرمانروای اکولوژیکی زمین می‌نامد ولی به مثابه عامل اراده الهی - که در نهایت امر، همه چیز متعلق به خداست - در برابر خدا مسوول می‌شناسد. آزادی انسان برای دخل و تصرف در طبیعت، تغییر منابع و سازگار ساختن با محیط در راستای منافع خویش به وسیله عدل، تقوی و علم ضابطه مند شده است و انسان می‌تواند با در پیش گرفتن راه درست و یا نادرست خود را متنعم یا معذب گرداند. بسیاری از اصول اخلاقی سفارش شده در اسلام درباره محیط زیست مصادیق روشنی از اصول توسعه پایدار در عصر حاضر می‌باشد. اهم این اصول شامل: قناعت، شکر به معنای احتراز از کفران نعمت، همزیستی با طبیعت، صبر و استقامت، احساس بی‌نیازی و غنی بودن، استقلال و خود کفایی می‌باشد. همچنین احتراز از آزمندی، طمع و اسراف را شامل می‌گردد (نقی زاده، ۱۳۸۲ ب) از جمله این اصول در استفاده از آب می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

گرایش به رفتارهای هنجار زیست محیطی نسبت به آب، کارکردهای سازنده و اصلاح گرایانه در عرصه محیط زیست، شکران حمت، اجرای احکام حکومتی در ابعاد زیست محیطی، تعریف قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی، توجه به محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین زیست محیطی سازگار با نظام اسلام.

پرهیز از رفتارهای ناهنجار زیست محیطی، کارکردهای فساد انگیز در عرصه محیط زیست، کفران نعمت‌های خدادادی، اسراف در عرصه محیط زیست، تجاوز به حقوق زیست محیطی دیگران و تزیین حق الناس (اصغری لمفنجانی، ۱۳۷۸). از بین بردن نظام طبیعی و اختلال در حیات آنها، تخلیه فضولات و مواد زاید در محیط طبیعی و به ویژه در آب‌های روان، بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی که باعث ضرر به دیگران شود، بی

نادیده انگاشتن ایدئولوژی، جهان بینی و فرهنگ افراد در طرح‌ها از یک سو و توجه صرف به توسعه فن‌آوری از سوی دیگر باعث از خود بیگانگی و از دست دادن مفهوم حیات انسان و دوری وی از فطرت خویش می‌شود. گیر به نقل از وایتهد (۱۳۸۰: ۷۶)، بیان می‌کند که علم نمی‌تواند خرسندی فردی را در طبیعت بیابد، علم نمی‌تواند هدفی در طبیعت پیدا کند، علم نمی‌تواند خلاقیت را در طبیعت ببیند، علم تنها قوانین متوالی و همسان را می‌بیند. علم طبیعی چنین است زیرا روش شناسی علم بدین‌گونه است.

مکتب زیست محیطی اسلام در حفاظت از منابع

دیدگاه‌ها و میراث عقیدتی هر جامعه نماد و نماینده واقعی برخاسته از عملکرد انسان است که از رفتار غریزی و خودپرستانه بشری جدا می‌باشند. نظام‌های فرهنگی و عقیدتی مشوق آن دسته از مداخله‌گری‌هایی است که مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به محیط را نمایان می‌سازند (Jenkins, 1998). فرهنگ ایرانیان پس از اسلام در تمام زمینه‌ها متأثر از تعلیم و حیاتی اسلام بوده است. در واقع با ظهور اسلام و گسترش آن، ایرانیان مسلمان نیز ضمن حفظ آن دسته از رسوم و باورهای خویش درباره آب که تضادی با تعلیم اسلام نداشت فرهنگ خویش را غنا بخشیده و پیرامون رابطه انسان با طبیعت و از جمله آب آن چنان رشدی را جلوه‌گر ساختند که در کمتر منطقه‌ای از جهان قابل مشاهده است (نقی زاده، ۱۳۸۲ ب).

قرآن، جهان را یک امانت الهی می‌داند که خداوند به بندگانش خود واگذار کرده است (Denny, 2004). مجموعه طبیعت، اجزاء و قوانین حاکم بر آن در تعلیم اسلامی، آیات الهی تلقی می‌شوند که تفکر، تدبیر و تعقل درباره آنها و درباره ارتباطشان با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌سازد (نقی زاده، ۱۳۷۹). آیه به معنای نشانه است و مشتمل بر هر چیزی است که ذات خداوند را تداعی می‌کند (محقق داماد، ۱۳۷۳). در فرهنگ اسلامی، انسان جانشین خدا بر زمین است؛ لذا افعال انسان به عنوان جانشین خدا در زمین باید متناسب با صفات فعل الهی باشد. در اسلام انسان به مقتضای شان و منزلت انسانیت

نگریست بلکه باید با مطالعه آنها به اصولی اخلاقی و عملی دست یافت تا بتوان آنها را به طور کاربردی، در عصر جدید و در بین نسل جدید نشر داد؛ این مرحله جزء دشوارترین مراحل مطالعه و پژوهش می باشد. با توجه به اهمیت فرهنگ و جهان بینی هر ملت در حفاظت از محیط زیست به طور اعم و آب به طور اخص می توان نتیجه گرفت که توجه صرف به فن آوری و علم به عنوان راه حل مسائل پیش روی محیط زیست نمی تواند چاره ساز باشد. و برای حل این چالش، توجه به مسائل اخلاقی حائز اهمیت است. در دیدگاه های فنی آنچه در رابطه بین انسان و محیط حائز اهمیت است، حفاظت از منابع است ولی در دیدگاه های اخلاقی و فلسفی انسان به عنوان کنترل کننده رابطه خود با محیط و نظراتش به عنوان مهمترین عامل در حفاظت از آن باید مورد توجه قرار بگیرد. لذا ضروری است تا انسان هایی که در ارتباط مستقیم با منابع طبیعی هستند درک شوند و عقاید و ارزش های آنها مد نظر قرار گیرند. از آنجا که اعتقادات دینی در بالا بردن سطح دانش و فرهنگ عمومی در شناخت آب و استفاده بهینه از آن نقش مهمی دارند، آشنایی و توجه به اصول دین و بهره گیری شایسته از آن به عنوان یکی از محورهای مهم به ویژه درباره آب، می تواند موثر باشد. دین مبین اسلام به آب - این نیاز حیاتی آدمی - اهمیت فراوان داده و درباره جایگاه آب و بهداشت آن توصیه های متعددی کرده است با مطالعه متون اسلامی می توان استناد کرد که حکمت الهی و دین اسلام و همچنین کتاب مقدس قرآن به حفظ و ارتقای شرایط محیط زیست توجه ویژه ای دارد و تمام اجزاء زیست محیطی را به چشم موجوداتی با شعور می داند که همه آنها به نوعی به تسبیح پروردگار مشغول هستند.

با توجه به این که فرهنگ ایرانیان پس از اسلام در تمام زمینه ها متأثر از تعالیم و حیاتی اسلام بوده است، با کمک این تعالیم می توان به اصولی اخلاقی دست یافت که در حل چالش های زیست محیطی مؤثر است. آموزش این اصول اخلاقی به عنوان یک راه حل مکمل می تواند اقلشار مختلف را در مسیر مناسب رهنمون سازد. بسیاری از این اصول برای زندگی اجتماعی تعلیم

توجهی در برداشت از آب های زیرزمینی و فقدان برنامه برای غنی سازی آنها.

از سوی دیگر، بسیاری از تعالیم اسلام برای زندگی جمعی و گروهی تدوین شده اند و می توان از آنها برای حفظ حرمت منابع و آلوده نکردن آنها از جمله آب و لزوم استفاده صحیح از آن برای دیگران و نسل های آینده استفاده کرد. برخی از این تعالیم عبارتند از:

قاعده تسبیب^۱: هر نوع خسارت یا ضرر ولو به شکل غیرمستقیم به اشخاص و عموم مردم حرام و مستلزم ضمان است (علوی، ۱۳۷۸).

قاعده لاضرر^۲: یکی از ارکان حقوق اجتماعی می باشد و از آن جهت اهمیت دارد که انسان را از تصرف نامناسب در مال خویش که به ضرر دیگران شود منع می کند (نقی زاده، ۱۳۸۲ الف).

قاعده اتلاف^۳: در صورتی که کسی به حقوق عمومی نظیر تخریب محیط زیست اقدام کند مرتکب عمل حرام شده و در واقع اموال عمومی را تلف کرده است و ضامن خواهد بود.

قاعده ضمان^۴: تخریب محیط زیست از نوع تصرفاتی است که به ضرر جامعه مسلمین می انجامد و اگر شخصی به این منابع خسارت وارد کند و به تخریب آن اقدام نماید ضامن است و باید به جبران آن بپردازد (علوی، ۱۳۷۸).

عدالت که مهمترین اصل حاکم بر عالم هستی و عامل دوام آن است در حفاظت و استفاده صحیح از منابع آب نقشی بنیادین را ایفا می کند (حسینی، ۱۳۷۸). از آنجا که آب در تامین قسمت اعظم نیازهای انسان نقشی اساسی دارد، تداوم حیات سالم انسان به میزان زیادی، نیازمند سلامت طبیعت و عناصر طبیعی از جمله آب و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم انسان با آن می باشد. بهره مندی از موهبت آب و منافع بی شمار آن، زمانی برای انسان امکان پذیر است که فعالیت های انسان تعادل موجود در طبیعت را بر هم نزند.

نتیجه گیری

هدف اصلی در این پژوهش آن است که به عقاید و دیدگاه های تاریخی نباید با دید موزه ای و تنها به عنوان میراث فرهنگی و اعتقادی

۱. تسبیب: آسایش ایجاد کردن

۲. لاضرر: زیان نرساندن

۳. اتلاف: تلف کردن، نابود کردن

۴. ضمان: التزام به این که هر گاه چیزی از بین رفت مثل یا قیمت آن را بپردازند، قبول کردن

- تجرشی، مسعود و احمد ابریشم چی. (۱۳۸۳). «مدیریت تقاضای منابع آب در کشور». مجموعه مقالات کنفرانس روش های پیشگیری از اتلاف منابع ملی. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.

- حسینی، علی جان. (۱۳۷۸). «رفتار با عناصر محیط زیست از نظر اسلام». مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.

- رضائی مقدم، کورش و کرمی، عزت الله. (۱۳۸۵). «ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر (Path Analysis)». علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. شماره ۱.

- عمانی، احمد رضا و نوری وند، آزاده. (۱۳۸۱). «آب منبع امنیت غذایی (بحران ها، راهبردها)». ماهنامه جهاد، سال ۲۲. شماره ۲۵۵.

- علوی، محمد یوسف. (۱۳۷۸). «معرفی اجمالی برخی از مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تحریب محیط زیست». مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.

- گیر، ارن. (۱۳۸۰). «پسامدرنیسم و بحران زیست محیطی. ترجمه عرفان ثابتی. نشر سرچشمه. تهران.

- محلاتی، صلاح الدین. (۱۳۸۰). «طبیعت، محیط، بحران زیست محیطی در جستجوی ریشه ها». نامه فرهنگستان علوم. شماره ۱۷.

- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۳). «طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام». نامه فرهنگستان علوم. شماره ۱۳.

- نقی زده، محمد. (۱۳۸۲ الف). «جهان بینی و حفاظت محیط زیست». نامه فرهنگستان علوم. شماره ۲۲ و ۲۴.

- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۲ ب). «مشخصه های آب در فرهنگ ایرانی و تاثیر آن بر شکل گیری فضای زیست». فصل نامه محیط شناسی. شماره ۳۲.

- نقی زده، محمد. (۱۳۷۹). «الهام از طبیعت در ایجاد محیط زندگی سالم». نامه فرهنگستان علوم. شماره ۱۶.

- Brans, P.J. (2002). «OR, ethics and decisions: The». *European Journal of Operational Research*, Vol, 140, PP.:191-196.

- Bourdeau, P. (2004). «The man-nature relationship and environmental Ethics». *Environmental Radioactivity*, Vol 72, PP: 9-15

- Denny, F. M. (2004). «Islam and Ecology: A bestowed trust inviting balanced stewardship». *Eath Ethics*, Vol 10, PP: 3-6.

- Huesemann, M. H. (2001). «Can pollution problems be effectively solved by environmental sience and technology? An analysis of critical limitation». *Ecological Economices*, Vol 37, PP:271-287.

- Jenkins, T. N. (1998). «Analysis of Economics and The environment: A case of ethical neglect». *Ecological Economics*, Vol 26, PP:151-163.

- Kessler, C. A. (2005). «Motivating farmers for soil and water conservation: A promising strategy from the Bolivian mountain valleys». *Land Use Policy* in press, PP :1-11.

- Muchena, F. N., Onduru, D.D., Gachini, G.N. and deJager, A. (2005). «Turning the tides of soil degradation in Africa: capturing the reality and exploring opportunities». *Land Use Policy*, Vol 22, PP: 23-31.

- Ropke, I. (2001). «New technology in everyday life social processes and environmental impact». *Ecology Economics*, Vol 38, PP: 403-422.

داده شده است و خود جلوه ای از اصول توسعه پایدار در عصر حاضر است، لذا می توان این اصول اخلاقی را به آگاهی اقشار مختلف رساند. از جمله این اصول در استفاده از آب می توان به موارد زیر اشاره کرد: تذکر، شکر، حفاظت، کمال جویی، اصلاح و عمران آب قنات، شکر به معنای احتراز از کفران نعمت، همزیستی با طبیعت، صبر و استقامت، احساس بی نیازی و غنی بودن، استقلال و خود کفایی و جلوگیری از آزمندی، طمع، تباهی، فساد، اسراف، تبذیر، بطالت و بیهودگی آب.

بی شک ارگان های مختلف خواسته یا ناخواسته در مسائل زیست محیطی درگیر هستند. به ویژه که کمبود آب مسئله ای مقطعی نیست که در یک دوره زمانی مورد توجه قرار گیرد و سپس به فراموشی سپرده شود. بر این اساس نیاز است تا مفاهیم اصول اخلاق عملی در محیط زیست و در استفاده از آب شناسایی شود. این اصول به ارائه اصول پایدار در مصرف آب می پردازد. با آموزش این اصول به اقشار مختلف می توان در غنی سازی نحوه ارتباط افراد با طبیعت مؤثر بود.

- برای این که بتوان آموزش مؤثر و کاربردی ارائه داد، استفاده از روش های ارتباطی و منابع اطلاعاتی متنوع برای اطلاع رسانی به افراد ضروری می باشد. لذا لازم است که طیف وسیعی از منابع اطلاعاتی و روش های ارتباطی در اختیار افراد قرار گیرد.

- در حالی که برنامه های آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی فقط به ابعاد فنی توجه می کند و بسیاری از فن آوری ها نیز با شرایط محیط زیست سازگاری ندارند، لازم است تا با توجه به ابعاد اخلاقی متناسب با فرهنگ و مذهب به تدوین کتب آموزشی در این باره اقدام گردد.

- علاوه بر جوانان و نسل های آینده، دیگر اقشار جامعه که نسل حاضر را تشکیل می دهند نیز نباید فراموش شوند؛ لذا در این موارد آموزش های غیر رسمی می تواند مؤثر باشد.

منابع:

- اصفری لافمنجانی، صادق. (۱۳۷۸). «تحلیلی بر مباحث مکتب زیست محیطی اسلام». مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.

- یسئمن، نیل. (۱۳۸۱). تکتوبولی: تسلیم فرهنگ به فناوری. ترجمه دکتر صادق طباطبائی. انتشارات اطلاعات. تهران.

between environmental assessment methods and conflict» .
Environmental Impact Assessment, Vol 26, PP: 605-613.

- Tucker, M. E. and Grim, J. (2002). »Religion of the world and
Ecology: Discovering the common Ground« . Earth Ethics 10:1-11.

- Zimdahl, R. (2005). »Extending Ethics«. Journal Extension,
Vol 43, PP: 1-4.

- Rshn, SMK. (2000). «Care for Creation: Human Activity and
the Environment». Libreria Editrice Vaticana, Vatican City; PP:
109

-Small, B. and Jollands, N. (2006). »Technology and ecological
economics: Promethean technology, Pandorian potential« .
Ecological Economics, Vol 56, PP: 343– 358.

- Pereira, L.S., Oweis, T. and Zairi, A. (2002). »Irrigation
management under water scarcity«. Agricultural water
management, Vol 57, PP:175-206.

- Persson, J. (2006). »Theoretical reflection on the connection



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی